

# UNIT 8

امیررضا اکبری ، حمیدرضا پور محی آبادی ، رشیدی

## Section One: Reading Comprehension Terminals: Input and Output

**variety** of terminals enable both input and output from a remote computer system.

انواع مختلفی از ترمینالها امکان ورود و خروج دادهها را از یک سیستم کامپیوتری راه دور فراهم میکنند.

---

**Interactions** via a terminal form the foundation for a wide variety of applications, from airline reservations to point-of-sale systems in **retail** outlets.

تعاملات از طریق یک ترمینال پایهای برای طیف گستردهای از برنامهها، از رزرو بلیت هواپیما گرفته تا سیستمهای **فروش** در فروشگاهها است.

---

### **Dumb** and Smart Terminals

ترمینالهای **ساده** و هوشمند

---

Terminals come in all shapes and sizes and have a variety of input/output **capabilities**.

ترمینالها در اشکال و اندازه‌های مختلفی ارائه میشوند و **قابلیتهای** متنوعی برای ورودی و خروجی دارند.

---

The most popular **general-purpose** terminal is the **traditional** video display terminal (VDT) that you see in hospitals and airports.

محبوبترین ترمینال عمومی (**همه منظوره**)، ترمینال نمایش ویدئویی **سنتی** (VDT) است که در بیمارستانها و فرودگاهها مشاهده میکنید.

---

The **primary** input mechanism on the VDT, or simply the terminal, is a keyboard.

ابزار **اصلی** ورودی در این نوع ترمینال، یک صفحهکلید است.

---

**Output is displayed on a monitor.**

خروجی روی یک مانیتور نمایش داده میشود.

---

Most of these terminals are dumb; that is, they have little or no **intelligence** (**processing capability**).

بیشتر این ترمینالها ساده هستند؛ به این معنا که **هوش** (توانایی پردازشی) کمی دارند یا اصلاً ندارند.

---

Typically, they **provide** text-only output (no graphics).

معمولاً فقط خروجی متنی **ارائه** میدهند (بدون گرافیک).

---

Some terminals, called Windows terminals, have processing capabilities and RAM **comparable** to some PCs; however, they are not designed for stand-alone **operation**.

برخی ترمینالها که به آنها ترمینالهای ویندوزی گفته میشود، دارای قابلیتهای پردازشی و حافظهای **مشابه** با برخی رایانههای شخصی هستند؛ اما برای **کار** بهصورت مستقل طراحی نشدهاند.

---

The Windows terminal is so named because the user **interacts** with a Windows 9x/NT/2000 graphical user interface (GUI).

این نوع ترمینال به این نام خوانده میشود چون کاربر از طریق رابط گرافیکی ویندوز ۹ (GUI) x/NT/2000 با آن **تعامل** میکند.

---

All Windows terminals are configured with some type of point-and-draw device, such as a mouse, to **permit efficient** interaction with the GUI.

تمامی این ترمینالهای ویندوزی به یک ابزار اشاره و کلیک، مانند ماوس، **مجاز** هستند تا تعامل با رابط کاربری را **کارآمد** کنند.

---

### Sales-response System.

سیستم پاسخ به فروش

---

Salespeople use telephones as terminals for entering orders and **inquiries** about the **availability** of certain products into their company's mainframe computer.

فروشندهگان از تلفنها بهعنوان ترمینال هایی استفاده میکنند تا سفارشها را وارد کنند و درباره **دسترسی (موجود بودن)** محصولات خاص به کامپیوتر اصلی شرکت خود **پرس و جو** کنند.

---

Brokerage firms allow their clients to tap into the firm's computers **via** telephone.

شرکتهای کارگزاری به مشتریانانشان اجازه میدهند **از طریق** تلفن به کامپیوترهای شرکت دسترسی پیدا کنند.

---

After entering a password, clients can request a variety of services and information by working **through** a series of spoken menus.

مشتریان پس از وارد کردن رمز عبور، میتوانند مجموعه‌ای از خدمات و اطلاعات را **از طریق** منوهای صوتی درخواست کنند.

---

For example, they can request account balances and stock quotes.

مثلاً میتوانند مانده حساب یا قیمت سهام را بپرسند.

---

They can even request that a **specific** company's earnings report be sent to their fax machines.

حتی میتوانند درخواست کنند گزارش درآمدی یک شرکت **خاص** به دستگاه فکس آنها ارسال شود .

---

The telephone by itself has little built-in intelligence; however, when linked to a computer, **potential** applications abound.

تلفن به تنهایی هوش داخلی زیادی ندارد؛ اما وقتی به یک کامپیوتر متصل میشود، کاربردهای بالقوه زیادی پیدا میکند.

---

Telephony is the **integration** of computers and telephones, the two most essential instruments of business.

تلفنمحوری (Telephony) ترکیب کامپیوترها و تلفنها است، دو ابزار اصلی و ضروری در کسبوکار.

---

In telephony, the computer, perhaps a PC, acts **in concert with** the telephone.

در تلفنمحوری، کامپیوتر، که ممکن است یک رایانه شخصی باشد، همراه با تلفن عمل میکند.

---

For example, a PC can **analyze** incoming telephone calls and take appropriate action (take a message, route the call to the appropriate extension, and so on).

برای مثال، یک رایانه شخصی میتواند تماسهای ورودی را **تحلیل کند** و اقدامات مناسب انجام دهد (مانند دریافت پیام، انتقال تماس به بخش مربوطه و غیره)

---

The telephone is a terminal, but with only 12 buttons.

تلفن یک ترمینال است، اما تنها با ۱۲ دکمه

---

In effect, telephony **augments** these 12 buttons to include a PC-based GUI.

در واقع، تلفنمحوری این ۱۲ دکمه را با یک رابط کاربری گرافیکی مبتنی بر کامپیوتر (GUI) **گسترش میدهد**.

---



**Consider** these telephony applications:

به این کاربردهای تلفنمحوری توجه کنید:

---

A mail-order house keeps customer records by customer telephone number.

یک شرکت سفارش پستی سوابق مشتریان را بر اساس شماره تلفن آنها نگه میدارد .

---

When a customer calls to phone in an order, the system detects the customer's telephone number (caller ID), routes the call to an available salesperson (or the one with the shortest wait time), and, finally, displays the customer's record on the salesperson's monitor before anyone says hello.

وقتی مشتری برای ثبت سفارش تماس میگیرد، سیستم شماره تلفن او را شناسایی میکند (از طریق شناسه تماسگیرنده)، تماس را به فروشندهای که در دسترس است (یا کمترین زمان انتظار را دارد) هدایت میکند و در نهایت، اطلاعات مشتری را روی مانیتور فروشنده نمایش میدهد، حتی پیش از اینکه کسی پاسخ دهد .

---

If the salesperson is busy, the customer is given an opportunity to enter the order **directly** from a telephone.

اگر فروشنده مشغول باشد، به مشتری این امکان داده میشود که سفارش خود را **مستقیماً** از طریق تلفن وارد کند.

---

A school district uses telephony to **reschedule** district events.

یک منطقه آموزشی از تلفنمحوری برای **زمان بندی مجدد** رویدادهای منطقه استفاده میکند .

---

Here is how it works: A computer system can announce a last-minute change of time for a school board **meeting** via the telephone system.

اینگونه عمل میکند: یک سیستم کامپیوتری میتواند تغییر زمان در لحظه آخر برای جلسه هیئت مدیره مدارس را از طریق سیستم تلفنی اعلام کند .

---

Upon being prompted by a user, the system automatically announces the change to the participants and the media community.

بهمحض دریافت درخواست از کاربر، سیستم بهطور خودکار تغییر را به شرکتکنندگان و رسانهها اطلاع میدهد .

---

The telephony system even negotiates scheduling conflicts with participants to arrive at an acceptable time for all concerned—all automatically.

سیستم تلفنمحموری حتی تضادهای زمانی را با شرکتکنندگان هماهنگ میکند تا زمانی مناسب برای همه تعیین شود—و همه اینها بهصورت خودکار انجام میشود .

---

**Telephony promotes efficient interactions.**

تلفنمحوری تعاملات را کارآمدتر میکند .

---

**As it matures, look for many routine communications to be handled entirely by computers (for example, scheduling of meetings).**

با پیشرفت آن، انتظار داشته باشید که بسیاری از ارتباطات روزمره بهطور کامل توسط کامپیوترها مدیریت شوند (مثلاً زمانبندی جلسات) .

---

**Much of what has to be done in a typical business phone call can be accomplished between cooperating computers.**

بخش زیادی از آنچه در یک تماس تلفنی معمولی کسبوکار انجام میشود، میتواند بین کامپیوترهای هماهنگشده انجام شود .

---

**If and when we are needed, we will be asked to join the conversation.**

**هر زمان که نیاز باشد، از ما خواسته خواهد شد تا وارد مکالمه شویم.**

**\*\*\*\*\***

## Section Two: Further Reading

بخش دوم: مطالعه بیشتر

---

### Special-Function Terminals: ATMs and POSs

ترمینالهای کاربرد خاص: دستگاههای ATM و POS

The number and **variety** of special-function terminals are growing **rapidly**.

تعداد و **انواع** ترمینالهای کاربرد خاص **به سرعت** در حال افزایش است.

---

Special-function terminals are designed for a specific application, such as **convenience banking**.

ترمینالهای کاربرد خاص برای یک کاربرد مشخص طراحی شدهاند، مانند **بانکداری راحت**.

---

You probably are **familiar** with the **automatic teller machine (ATM)** and its input/output capabilities.

احتمالاً با **دستگاه خودپرداز (ATM)** و قابلیتهای ورودی/خروجی آن **آشنا** هستید.

---

A badge reader (magnetic stripe) and a keypad enable input to the system.

یک کارتخوان (نوار مغناطیسی) و یک صفحه‌کلید امکان ورود اطلاعات به سیستم را فراهم میکنند.

---

A monitor and a printer (for printing transaction receipts) provide output.

یک مانیتور و یک چاپگر (برای چاپ رسیدهای تراکنش) خروجی را ارائه میدهند.

---

Some ATMs use voice response and a monitor backup to alert people when to perform certain actions.

برخی از دستگاههای خودپرداز از پاسخ صوتی و پشتیبان مانیتور برای راهنمایی افراد در انجام برخی اقدامات استفاده میکنند.

---

The ATM idea has caught on for other applications.

ایده ATM برای برنامه های دیگر نیز مورد توجه قرار گرفته است.

---

A consortium of companies is installing thousands of ATM-like terminals that will let you order and receive a **wide variety** of documents on the spot.

یک کنسرسیوم از شرکتها در حال نصب هزاران ترمینال شبیه ATM است که به شما امکان سفارش و دریافت **طیف وسیعی** از اسناد را به صورت فوری میدهد.

---

For example, you can now **obtain** an airline ticket, your college transcript, and an **Internal Revenue Service** (IRS) form electronically, and many more applications are on the way.

برای مثال، اکنون میتوانید بلیت هواپیما، کارنامه دانشگاهی و فرم **خدمات مالیاتی داخلی** (IRS) را به صورت الکترونیکی دریافت کنید و بسیاری از کاربردهای دیگر در راه است.

---

Another **widely** used special-function terminal is the point-of-sale (POS) terminal.

یکی دیگر از ترمینالهای کاربرد خاص که به طور **گسترده** استفاده میشود، دستگاه POS یا پایانه فروش است.

---

POS terminals are used by **clerks** and salespeople in retail stores, restaurants, and other establishments that sell goods and services.



دستگاههای POS توسط **منشی ها** و فروشندگان در فروشگاههای خردهفروشی، رستورانها و سایر مکانهایی که کالا و خدمات میفروشند، استفاده میشوند.

---

**POS terminals have a keypad for input, at least one small monitor, and a printer to print the receipt.**

دستگاههای POS یک صفحهکلید برای ورودی، حداقل یک مانیتور کوچک، و یک چاپگر برای چاپ رسید دارند.

---

Some have other input/output devices, such as a reader for credit cards, **a wand** or **stationary** scanner to read price and inventory data, and/or a printer to **preprint** checks for customers. The widely used automatic teller machine (ATM) supports a variety of input/output methods.

برخی از آنها دارای دستگاههای ورودی/خروجی دیگر هستند، مانند کارتخوان اعتباری، اسکنر **دستی** یا **ثابت** برای خواندن دادههای قیمت و موجودی، و/یا چاپگری برای **پیشچاپ** چک برای مشتریان. دستگاه خودپرداز که به طور گسترده استفاده میشود، از انواع روشهای ورودی/خروجی پشتیبانی میکند.

---

The magnetic **stripe** on the ATM card contains identification and security information that, when read, is sent to the bank's computer system.

**نوار** مغناطیسی روی کارت ATM شامل اطلاعات شناسایی و امنیتی است که هنگام خوانده شدن به سیستم کامپیوتری بانک ارسال میشود.

---

**The ATM responds with instructions via its monitor.**

دستگاه خودپرداز از طریق مانیتور خود پاسخهایی را ارائه میدهد.

---

**The customer enters an identification number and data via a keypad.**

مشتری شماره شناسایی و دادهها را از طریق صفحهکلید وارد میکند.

---

**In the figure, the computer processes the customer's request and then provides instructions for the customer via the monitor and verbally with a voice-response unit.**

در این شکل، کامپیوتر درخواست مشتری را پردازش میکند و سپس دستورالعملها را از طریق مانیتور و همچنین به صورت صوتی کلامی به مشتری ارائه میدهد.

## Point-Of-Sale Terminals

پایانه‌های فروش (POS)

---

**When barcoded items are received at a supermarket's automated checkout stand, they are pulled across a fixed scanning window.**

وقتی کالاهای دارای بارکد در صندوق فروشگاه‌های خودکار دریافت میشوند، از جلوی یک پنجره اسکن ثابت عبور داده میشوند.

---

**As items are scanned, the bars are decoded by a device called an **optical** character reader.**

وقتی کالاها اسکن میشوند، بارکدها توسط دستگاهی به نام "خواننده کاراکتر **نوری**" رمزگشایی میشوند.

---

**Reflected light patterns are converted into electrical pulses and then transmitted to **recognition** logic circuits.**

الگوهای نوری بازتابشده به پالسهای الکتریکی تبدیل شده و سپس به مدارهای منطقی **شناسایی** ارسال میشوند.

---

**There, they are compared with the patterns the reader has been programmed to recognize.**

در آنجا، این پالسها با الگوهای که دستگاه برای شناساییشان برنامه‌ریزی شده است مقایسه میشوند.

---

**If a **suitable** comparison is made, the data are transmitted to a computer that looks up the price, possibly updates inventory and sales records, and forwards price and description information back to the checkout stand.**

اگر تطابق مناسبی انجام شود، اطلاعات به یک کامپیوتر ارسال میشود که قیمت را پیدا کرده، احتمالاً موجودی و سوابق فروش را به‌روزرسانی میکند و اطلاعات قیمت و توضیحات را به صندوق ارسال میکند.

---

**Besides using optical readers at checkout stands, store personnel carry handheld wands attached to portable recording devices to **replenish** the store's inventory.**

علاوه بر استفاده از دستگاههای نوری در صندوق فروش، کارکنان فروشگاه از اسکنرهای دستی متصل به دستگاههای ضبط قابل‌حمل برای تکمیل موجودی فروشگاه استفاده میکنند.

---

**When an item must be **restocked**, the wand reads the bar code that's fastened to the shelf where the item is displayed.**

وقتی کالایی نیاز به شارژ مجدد داشته باشد، اسکنر بارکدی را که به قفسهای کالا در آن نمایش داده شده است وصل است، میخواند.

---

**This action accurately enters the item description into the recorder.**

این کار توضیحات دقیق کالا را وارد دستگاه ضبط میکند.

---

**The clerk keys the quantity needed into the recorder.**

فروشنده تعداد(مقدار) موردنیاز را در دستگاه ضبط وارد میکند.

---

**The recorder can then be connected to the computer system to complete the inventory update.**

سپس دستگاه ضبط میتواند به سیستم کامپیوتری متصل شود تا بهروزرسانی موجودی تکمیل شود.

---

**Point-of-sale (POS) terminals aren't restricted to reading barcodes.**

پایانهای فروش فقط محدود به خواندن بارکد نیستند.

---

**They can also read printed information.**

این دستگاهها میتوانند اطلاعات چاپی را نیز بخوانند.

---

**By passing a wand across a special tag attached to department store **merchandise**, a clerk can read the item description and price into a terminal.**

با عبور دادن اسکنر از روی یک برچسب خاص که به **کالای** فروشگاه بزرگ وصل است، فروشنده میتواند توضیحات کالا و قیمت را وارد دستگاه کند.

---

**Under computer control, the terminal displays the scanned data and then prints an itemized sales **receipt** that shows the total amount of the purchase, including taxes.**

تحت کنترل کامپیوتر، دستگاه دادههای اسکن شده را نمایش داده و سپس یک **رسید** فروش تفکیکی چاپ میکند که مبلغ کل خرید را همراه با مالیات نشان میدهد.

---

**If a credit card is used, the wand can read and enter the credit card numbers into the computer to update the customer's account.**

اگر از کارت اعتباری استفاده شود، اسکنر میتواند شمارههای کارت اعتباری را خوانده و در کامپیوتر وارد کند تا حساب مشتری بهروزرسانی شود.

---

Transaction data can also be connected by **telecommunications** lines to a **warehouse** computer system to automate the reordering procedure, update inventory records, and provide sales data to managers for analysis.

دادههای تراکنش میتوانند از طریق خطوط **مخابراتی** به سیستم کامپیوتری **انبار** متصل شوند تا فرآیند سفارشگذاری مجدد را خودکار کرده، سوابق موجودی را بهروزرسانی کنند و دادههای فروش را برای تحلیل به مدیران ارائه دهند.

### Section Three: Translation Activities

بخش سوم: فعالیتهای ترجمه

---

The capabilities that personal computers offer to small businesses can be greatly **enhanced** when several independent workstations are linked into a larger system.

قابلیتهایی که رایانههای شخصی به کسبوکارهای کوچک ارائه میدهند میتوانند تا حد زیادی **افزایش یابند**، زمانی که چندین ایستگاه کاری مستقل به یک سیستم بزرگتر متصل شوند، به میزان قابل توجهی افزایش  
مییابد.

---

The ability to send and receive messages and share programs and data makes connecting personal computers a **wise** choice for small companies unable to **afford** a minicomputer.

توانایی ارسال و دریافت پیامها و اشتراکگذاری برنامهها و دادهها، اتصال رایانههای شخصی را به انتخابی **هوشمندانه** برای شرکتهای کوچکی که  
توانایی **خرید** مینیکامپیوتر را ندارند، تبدیل میکند.

---

A variety of systems are **available** for linking several workstations.

سیستمهای متنوعی برای اتصال چندین ایستگاه کاری **در دسترس هستند**.



---

One **economic approach** is a multi-user system.

یکی از رویکردهای اقتصادی، استفاده از سیستم چندکاربره است.

---

This system uses a single processing unit to link several dumb **terminals**.

این سیستم از یک واحد پردازشی برای اتصال چندین پایانه ساده استفاده میکند.

---

**Since** multi-user systems link inexpensive terminals instead of the more expensive personal computers used with other systems, multi-user systems **provide** cost savings for small businesses **purchasing** a complete system or adding users to a system currently in operation.a

از آنجا که سیستمهای چندکاربره پایانههای ارزانتر را بهجای رایانههای شخصی گرانتر استفادهشده در سایر سیستمها متصل میکنند، این سیستمها صرفهجویی در هزینه برای کسبوکارهای کوچک که میخواهند یک سیستم کامل خریداری کنند فراهم می کنند یا کاربران جدیدی به سیستم موجود اضافه می کنند.

---

Yet for a small business that already has **compatible** personal computer hardware and software, multi-user systems may not be the best choice because these systems **require** special **equipment** and the existing equipment cannot be used.

با این حال، برای یک کسب و کار کوچک که قبلاً سختافزار و نرمافزار سازگار با رایانه شخصی دارد، سیستمهای چندکاربره ممکن است بهترین انتخاب نباشند، زیرا این سیستمها به تجهیزات خاصی نیاز دارند و نمیتوان از تجهیزات موجود استفاده کرد.

---

Multi-user systems offer several **advantages** to small businesses.

سیستمهای چندکاربره چندین مزایا برای کسبوکارهای کوچک ارائه میدهند.

---

**In real**, multi-user systems are more **appropriate** for companies forming a shared database for **extensive** data input and output.

در واقع، سیستمهای چندکاربره برای شرکتهایی که در حال ایجاد یک پایگاه داده مشترک برای ورودی و خروجی گسترده دادهها هستند، مناسبتر هستند.

---

**If a business uses a variety of application packages but does not need a shared database, however, a different system linking workstations may be more **suitable**.**

اگر یک کسبوکار از بسته‌های نرم‌افزاری مختلفی استفاده میکند اما نیازی به پایگاه داده مشترک ندارد، با این حال یک سیستم دیگر برای اتصال ایستگاه‌های کاری ممکن است **مناسبتر** باشد.

---

## **Part I. Comprehension Exercises**

**A. Put "T" for true and "F" for false statements. Justify your answers.**

- 1. The telephone is considered a terminal. ....**
- 2. Some terminals are dumb, and some are smart. ....**
- 3. Terminals do not play a major part in business applications. ....**
- 4. Terminals have identical input/output capabilities. ....**
- 5. Smart terminals depend on computers for processing and storing operations. ....**
- 6. Telephony makes easy interactions possible. ....**

---

**B. Choose a, b, c, or d which best completes each item.**

- 1. A \_\_\_\_\_ permits system interaction via a graphical user interface.**
  - a. Windows terminal**
  - b. text-based terminal**
  - c. dumb terminal**
  - d. traditional VDT**

- 2. The integration of computers and telephones is known as \_\_\_\_\_ .**
- a. telecommunications**
  - b. autophony**
  - c. IT phoning**
  - d. telephony**
- 3. The primary input/output on the video display terminal is \_\_\_\_\_ .**
- a. the mouse and microphone**
  - b. the hard disk and speaker**
  - c. the keyboard and speaker**
  - d. the keyboard and monitor**
- 4. Paragraphs two and three mainly discuss \_\_\_\_\_ .**
- a. the capabilities of Windows terminals**
  - b. dumb and smart terminals**
  - c. the keyboard and monitor as the input/output mechanism on the VDT**
  - d. text-based and graphic-based terminals**
- 5. Which statement is NOT true?**
- a. Once linked to a computer, the telephone becomes smart.**
  - b. A mail-order house keeps customer records by customer telephone number.**

- c. Once linked to a computer, the telephone can be used to reschedule events.**
- d. A computer system is not capable of announcing events via the telephone.**

## **Part II. Language Practice**

**A. Choose a, b, c, or d which best completes each item:**

- 1. The \_\_\_\_\_ is an automated deposit/withdrawal device used in banking.**
  - a. windows terminal**
  - b. keyboard**
  - c. badge reader**
  - d. automatic teller machine**
- 2. The \_\_\_\_\_ refers to a terminal on which printed and graphic information are displayed on a television-like monitor and into which data are on a typewriter-like keyboard.**
  - a. automatic teller machine**
  - b. video display terminal**
  - c. telephony**
  - d. point-of-sale terminal**

- 3. The Windows \_\_\_\_\_ can run Windows operating systems but is not designed for stand-alone operation.**
- a. terminal**
  - b. graphical user interface**
  - c. 2000 server**
  - d. NT server**
- 4. In \_\_\_\_\_ the computer acts in concert with the telephone.**
- a. autophony**
  - b. telephony**
  - c. autogamy**
  - d. telephny**
- 5. Much of what has to be done in a typical business phone call can be accomplished between \_\_\_\_\_. If needed, we will be asked to join the conversation.**
- a. communications channels**
  - b. communications servers**
  - c. cooperating telephones**
  - d. cooperating computers**
-

## **Comprehension Exercises**

**A. Choose a, b, c, or d which best completes each item.**

- 1. The first paragraph mainly discusses ..... .**
  - a. the versatility of special-function terminals**
  - b. the efficiency of the monitor associated with the automatic teller machine**
  - c. the input/output capabilities of the automatic teller machine as a special-function terminal**
  - d. the badge-reader as an input device associated with the automatic teller machine**
- 2. According to the text ..... .**
  - a. automatic teller machines may use voice response as a monitor backup**
  - b. automatic teller machines cannot provide us with a variety of documents**
  - c. we may not obtain an airline ticket, along with a college transcript using the ATM**
  - d. we may not order and receive IRS forms using the ATM**
- 3. A point-of-sale terminal is capable of immediately ..... .**
  - a. updating sales records**
  - b. updating inventory records**
  - c. producing a printed sales transaction receipt**
  - d. all of the above**



**4. Once received at a supermarkets automated checkout stand, barcoded items are ..... .**

- a. scanned to identify the price**
- b. converted into electrical pulses**
- c. transmitted to recognition logic circuits**
- d. programmed to be recognized**

**5. Which statement is NOT true?**

- a. Point-of-sale terminals cannot read printed information.**
- b. Wands can read credit-card numbers.**
- c. Point-of-sale terminals can enter data into the computer for updating.**
- d. Wands can play a part in updating inventory records.**

1	<b>Interactions</b>	تعاملات
2	<b>Retail</b>	فروش
3	<b>Dumb</b>	ساده
4	<b>Capabilities</b>	قابلیت ها
5	<b>General-Purpose</b>	همه منظوره
6	<b>Traditional</b>	سنتی
7	<b>Primary</b>	اصلی
8	<b>Intelligence</b>	هوش
9	<b>Processing Capability</b>	توانایی پردازشی
10	<b>Provide</b>	فراهم کند,ارایه کند
11	<b>Comparable</b>	قابل مقایسه
12	<b>Operation</b>	کار, عملیات
13	<b>Interacts</b>	تعامل می کند
14	<b>Permit</b>	مجاز, مجاز, اجازه
15	<b>Efficient</b>	کارآمد
16	<b>Specific</b>	مشخص, خاص
17	<b>Inquiries</b>	پرس و جو
18	<b>Availability</b>	دسترسی و موجودی
19	<b>Through</b>	از طریق
20	<b>Potential</b>	بالقوه

21	<b>Integration</b>	ترکیب, یکپارچه سازی
22	<b>In Concert With</b>	همراه با
23	<b>Analyze</b>	تجزیه و تحلیل
24	<b>Augments</b>	افزایش می دهد, گسترش می دهد
25	<b>Consider</b>	در نظر بگیرد
26	<b>Order</b>	سفارش
27	<b>Detects</b>	شناسایی کند, تشخیص دهد
28	<b>Customer</b>	مشتری
29	<b>Directly</b>	مستقیماً
30	<b>Reschedule</b>	زمان بندی مجدد
31	<b>Meeting</b>	جلسه
32	<b>Prompted</b>	درخواست
33	<b>Conflicts</b>	تضادها, درگیری ها
34	<b>Routine</b>	روال
35	<b>Between</b>	بین
36	<b>Variety</b>	تنوع
37	<b>Rapidly</b>	به سرعت
38	<b>Convenience Banking</b>	بانکداری راحت
39	<b>Familiar</b>	اشنا
40	<b>Automatic Teller Machine</b>	دستگاه خود پرداز
41	<b>Badge reader</b>	کارت خوان یا نشان خوان

42	<b>Magnetic stripe</b>	نوار مغناطیسی
43	<b>Transaction receipts</b>	رسید تراکنش
44	<b>Voice response</b>	پاسخ صوتی
45	<b>Certain</b>	برخی، معین
46	<b>has Caught</b>	مورد توجه قرار گرفت
47	<b>Wide Variety</b>	طیف وسیعی
48	<b>Obtain</b>	دریافت
49	<b>Internal Revenue Service</b>	خدمات مالیاتی داخلی
50	<b>Widely</b>	گسترده
51	<b>Clerks</b>	منشی ها
52	<b>a Wand</b>	دستی
53	<b>Stationary</b>	ثابت
54	<b>Preprint</b>	پیش چاپ
55	<b>Stripe</b>	نوار
56	<b>Via</b>	از طریق
57	<b>Verbally</b>	کلامی
58	<b>Optical</b>	نوری
59	<b>Recognition</b>	شناسایی
60	<b>Suitable</b>	مناسب

61	<b>Attached</b>	متصل
62	<b>Restocked</b>	شارز مجدد
63	<b>Quantity</b>	تعداد, مقدار
64	<b>Merchandise</b>	کالا
65	<b>Receipt</b>	رسید
66	<b>Telecommunications</b>	مخابراتی
67	<b>Warehouse</b>	انبار
68	<b>Enhanced</b>	افزایش یافته است
69	<b>Wise</b>	عاقل
70	<b>Afford</b>	خرید
71	<b>Available</b>	دردسترس
72	<b>Economic</b>	اقتصادی
73	<b>Approach</b>	رویکرد
74	<b>Terminals</b>	پایانه
75	<b>Since</b>	از انجایی که
76	<b>Purchasing</b>	خرید
77	<b>Compatible</b>	سازگار
78	<b>Require</b>	نیاز دارند

79	<b>Equipment</b>	تجهيزات
80	<b>Advantages</b>	مزایا
81	<b>In Real</b>	در واقع
82	<b>Appropriate</b>	مناسب
83	<b>Extensive</b>	گسترده